

رئیس کلانتری ۱۴۳۱ امامزاده داود در ۲۷سکه عتیقه‌مربوط به‌دوران خلافت مروان از سوی یک چوپان در کوه‌های طالون تهران خبر داد، به گزارش ایرنا، سرهنگ سرفراز احمدی در این باره گفت: در پی اعلام یکی از سکه‌خوژه است‌حفاظی مبنی بر این که چوپانی هنگام چرای گوسفندان تعدادی سکه عتیقه کشف کرده است، موضوع مورد بررسی قرار گرفت. وی افزود: این چوپان اعلام کرد که سکه‌ها را داخل یک عدد دوطبی در زیر تخته سنگی از کوه‌های طالون پیدا کرده است.

از میان خبر ها

-
-
-

دستگیری عاملان قاجاق عقر ب‌های سیاه

توکلی – متخلفان قاجاق عقر ب‌های سیاه در شهرستان ریگان به دام‌ماموران حفاظت محیط زیست افتادند .

رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان ریگان در این باره گفت: دوفنر از متخلفان حرفه‌ای که در اطراف وحومه شهرستان به صورت غیر مجاز و به‌طرز ماهرانه‌ای اقدام به زنده گیری عقر ب‌های سیاه می کردند، دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار ما، حمزه ابراهیمی افزود: این افراد، عقر ب‌ها را برای فروش به پایتخت کشور منتقل می کردند. وی اضافه کرد: متهمان این پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شدند.

((پیامک عاشقانه))راز جسد سوخته

معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ افشای راز جسد سوخته در منطقه امین آباد خبر داد.
به گزارش ایسنا، در ساعت ۶:۳۰ صبح روز یازدهم مرداد کشف جسد مر دی ناشناس و حدود ۲۵ ساله، در زمین های کشاورزی به کلانتری امین آباد اعلام شد که با تأیید خبر توسط کلانتری ۱۷۳، تیم تشخیص هویت و بررسی صحنه اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ در محل حاضر شدند و در بررسی به عمل آمده مشخص شد جسد متعلق به مر دی حدود ۳۵ ساله است که پیش از سوزنده شدن در جریان یک درگیری با ضربات متعدد چاقو به دنبال صورت شکم، دست، گردن و... به قتل رسید و در نهایت سوزانده است.
در زمان بررسی جسد توسط تیم تشخیص هویت و بررسی صحنه اداره دهم پلیس آگاهی، کارآگاهان در بررسی لباس های به جا مانده از مقتول اقدام به خراج کردن کارت شناسایی متعلق به مقتول کردند و هویت متعلق به نام صادق ۳۵ ساله ساکن خیابان پیروزی شناسایی و در تحقیقات از خانواده وی مشخص شد مقتول در تاریخ دهم مردادماه به دنبال تماس یکی از دوستانش به نام علی از خانه خارج شده و دیگر مراجعی نداشته است.
باشناسایی محل زندگی علی ۴۰ساله در منطقه پیروزی، کارآگاهان برای انجام تحقیقات به محل سکونت وی مراجعه و اطلاع پیدا کردند که علی همزمان با کشف جسد مقتول، از محل سکونتش خارج و پس از آن ناپدید شده و پاسخ گوی تماس‌های تلفنی اعضای خانواده‌اش نیز نبوده است. همچنین در تحقیقات تکمیلی، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند که علی از حدود یک ماه پیش با همسرش متار که زده است.

کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در تحقیقات از همسر سابق علی اطلاع پیدا کردند که مقتول در زمان زندگی مشترک علی و همسرش، دوست خانوادگی آن‌ها بوده است همسر سابق علی به نام ساناز در اظهاراتی به کارآگاهان گفت: صادق دوست نزدیک همسر سابقم بود و به همین علت به خانه ما ت‌رد داشت و من او را کاملاً می‌شناختم. من و همسر م از مدت‌ها پیش با یکدیگر اختلاف و قصد متار که با یکدیگر را داشتیم و قبل از متار که مقتول چندین بار پیامک‌های عاشقانه برایم ارسال کرده بود که آن‌زمان موضوع را به همسر م اطلاع و پیامک‌ها را با او نشان داده بودم و به خاطر همین پیامک‌ها، همسر م از صادق کینه پیدا کرده بود تا این که پس از گذشت حدود یک ماه به دلیل اختلافات قبلی که داشتیم، من و همسر م تار که کردیم و پس از آن دیگر هیچ اطلاعی از همسر سابق خود و همچنین مقتول ندارم و نمی‌دانم که آیا موضوع کشته شدن صادق به موضوع پیامک‌ها ارتباط دارد یا خیر ؟

با توجه به اطلاعات به دست آمده در خصوص انگیزه احتمالی جنایت، کارآگاهان با انجام اقدامات ویژه پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه علی در منزل یکی از دوستانش به نام علیرضا شدند، این محل در محدوده خیابان شوش شناسایی شد و تحت مراقبت نامحسوس پلیس قرار گرفت و سرانجام در ساعت ۱۶:۳۰ روز سیزدهم مردادماه، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اطمینان از حضور متهم پرونده در محل اقدام به دستگیری وی به همراه علیرضا کردند. متهم اصلی پرونده با تأیید اظهارات همسر سابقش در خصوص ارسال پیامک های عاشقانه اظهار کرد که از همان زمان تصمیم به کشتن مقتول گرفته است و در اعتراضش به کارآگاهان گفت: از مقتول کینه پیدا کرده بودم و به همین دلیل در تاریخ دهم مردادماه با تصمیم قبلی و به همراه علیرضا او را به بیابان‌های اطراف امین آباد بردم و با چاقویی که از قبل به همراه داشتم ضرباتی را به صورت، گردن، کمر و... مقتول زدم و پس از کشتن صادق جنازه اش را آتش زدم و به همراه علیرضا من محل دور شدیم. علیرضا نیز در اظهاراتش با تأیید اظهارات متهم اصلی پرونده بیان کرد که در محل ارتکاب جنایت حضور مستقیم داشته اما هیچ دخالتی در درگیری منجر به جنایت یا سوزاندن جسد نداشته است.

۳کشته و ۶زخمی در حوادث راندگی کرمان

توکلی– حوادثرانندگی در کرمان سه کشته و شش زخمی برجا گذاشت.
رئیس پلیس راه شمال استان کرمان گفت: با توجه به تعداد زیاد عبور و مرور در جاده‌هاو معابر برون شهری در ۲۴ ساعت گذشته، بر اثر بی احتیاطی برخی از رانندگان، سه فقره تصادف منجر به فوت و جرح به‌واقع پیوست.
به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ "نجفی"افزود: در یکی از این حوادث که در محور "رفسنجان سرچشمه - خرداد" رخ داد، دستگاه سواروی پژو ۴۰۶ به علت خستگی و خواب‌آلودگی راننده از مسیر منحرف که به کشته شدن سرنشین و زخمی شدن راننده خودرو منجر شد. وی اظهار کرد: در محور روستایی شهرستان "یم" نیز سواری پراید به علت ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه از مسیر خود منحرف و واژگون شد که راننده آن در دم جان باخت و پنج سرنشین آن به شدت مجروح و روانه بیمارستان شدند. وی خاطر نشان کرد: بی توجهی به جلوراننده پژو ۴۰۶ برخورد با موتور سبکت در محور شهر نگار- کرمان، راکب آن را به کام‌رگ کشاند.

رئیس شعبه ۱۱۲ کبفری ۲ کرج گفت: حکم محکومیت متهمی که با گرفتن عکس‌های مختلف در حالت برهنه و با در دست داشتن قمه و قداره مردم را به خشونت و درگیری تحریک می کرد صادر شد.

به گزارش ایسنا، صادق حسنونند از صدور حکم یکی از شرور های فعال در شبکه اجتماعی اینستاگرام خبر داد و گفت: دادگاه منتهم به نام «مصطفی، ت» که دارای سابق متعدد کبفری بود به اتهام تحریک به اعمال خشونت‌آمیز در فضای مجازی بر گزار شد. وی در باره پرونده توضیح داد: این متهم با گرفتن

حکم تبعید و محرومیت از موبایل برای یک شاخ اینستاگرام

عکس‌های مختلف در حالت برهنه و با در دست داشتن قمه و قدار و سپس انتشار آن در صفحه خود مردم را به خشونت و درگیری تحریک می کرد.
رئیس شعبه ۱۱۲ کبفری ۲ کرج بیان کرد: پس از بررسی‌ها، این فرد که توسط پلیس امنیت استان البرز شناسایی و بازداشت شده بود به یک سال حبس، جریمه نقدی و تبعید به یکی از مناطق محروم سیستان و بلوچستان و همچنین ممنوعیت از داشتن هر نوع خط تلفن همراه برای مدت دو سال محکوم شد.

کشف سکه‌های عتیقه دوران حکومت مروان

سرفراز احمدی در این باره گفت: در پی اعلام یکی از سکه‌خوژه است‌حفاظی مبنی بر این که چوپانی هنگام چرای گوسفندان تعدادی سکه عتیقه کشف کرده است، موضوع مورد بررسی قرار گرفت. وی افزود: این چوپان اعلام کرد که سکه‌ها را داخل یک عدد دوطبی در زیر تخته سنگی از کوه‌های طالون پیدا کرده است.

رئیس شعبه ۱۱۲ کبفری ۲ کرج بیان کرد: پس از بررسی‌ها، این فرد که توسط پلیس امنیت استان البرز شناسایی و بازداشت شده بود به یک سال حبس، جریمه نقدی و تبعید به یکی از مناطق محروم سیستان و بلوچستان و همچنین ممنوعیت از داشتن هر نوع خط تلفن همراه برای مدت دو سال محکوم شد.

قاتل نجمه کوچولو در جلسه باز پرس ی چه گفت؟

اعترافات تلخ



حادثه ای را که می گوید چگونه اتفاق افتاد؟ حدود ساعت ۲۴:۳۰ بود که از بیرون به منزل میزبان بازگشتم، در همین حال پدرزنم گفت: «دختر هامی خواهند برای تفریح به پارک بروند» من بلافاصله مخالفت کردم و گفتم «الا ن شب است و دختر من (نجمه) هم شبظنت می کند بنابر این نباید به پارک بروند!» در این لحظه حبیب (میزبان) وارد بحث م‌اشد و گفت: مگر بچه‌ها را زندانی کرده‌ای او مرا می‌زد که دیگران مرا به داخل اتاق خواب فرستادن دلی حبیب آمو بامن در گیر شد. بابا جعفر هم قصد داشت مرا از خانه بیرون کند که دعوانکنیم! ناگهان من چاقو را نزد خود پیدا کردم ولی نمی دانم دخترم را چطور زدم! وقتی بابا جعفر مرا به بیرون از اتاق انداخت دیدم دخترم را در آغوش گرفته و بیرون پرید ولی نفهمیدم چگونه دخترم چاقو خورد!

چاقو را کجا بر داشتی؟ چاقوری این آشپزخانه بود! در آن لحظه من عصبانی بودم!

در تحقیقات مقدماتی گفتید که چاقو را داخل چمدان بیرون آور دید؟ تاجایی که یاد می‌آید از روی این برداشتم! بعد از قتل چاقو را چه کردی؟ شهر ک عرب‌ها شلوغ بود، همه مردم جمع شده بودند که چاقو را از دستم گرفتند من به سمت بیمارستان رفتم.

چگونه و با چه کسی به بیمار ستان رفتید ؟ ما ماشین درستی رفتم که همسر و خواهر م و ننه جعفر نیز با من

حوادث

علت سُر خوردن خودروها در جاده چالوس مشخص شد

مدیر ساخت و توسعه راه‌های البرز گفت: تنها دلیل لغزش خودروها در برخی نقاط محور کرج – چالوس ریختن گازوئیل است. به گزارش ایسنا، علی اصغر کاظمی اظهار کرد: بدون شک لغزش‌گی برخی از نقاط محور کرج – چالوس به خاطر جنس آسفالت نیست و به ریختن گازوئیل مربوط است. وی ادامه داد: حتی اگر سطح آسفالت این محور به طور کامل آغشته به قیر باشد، وقتی راننده تر مز می‌گیرد امکان لغزش خودرو وجود ندارد. در این محور قبل از انجام عملیات آسفالت، زیرسازی قیر صورت گرفته که این امر احتمال لغزش خودروهای یدک کش اقدام به این کاری می‌کنند.

اختصاصی خراسان

دختر ت چگونه هدف اصابت چاقو قرار گرفت؟ درگیری که کودکی خردسال بومد اما از آواذیت های نامادری ام می فمیدم که او مادر من نیست. تا سن پنج سالگی در کنار پدرم ماندم اما آن زندگی را دوست نداشتم من به مانند خیلی از کودکان دیگر آرزوهایی داشتم که هیچ گاه به آن ها نرسیدم تا این که روزی مادرم به سرانغم آمد و مرا با خودش برد. آن روزها از این که نزد مادرم زندگی می کنم احساس رضایت می کردم اما طولی نکشید که به همین دلیل من دخترم را ندیدم.

با توجه به این که فرزند شما ۳ساله بود و قد او حتی به زانوی شما نمی رسید چگونه چاقو را به قلب او فرود آوردید؟ «نجمه» هنگام درگیری وسط ما بود، وقتی چاقو را بالا بردم بابا جعفر دست مرا گرفت که دستش زخمی شد وقتی دستم را پایین کشیدم، احساس کردم جایی گیر کرده است چرا که دیگر چاقو بالا نمی‌آمد و من به سختی دستم را دوباره بالا بردم که بعد فمیدم چاقو به دخترم اصابت کرده است.

یعنی تبغه خون آلود چاقو را هم ندیدی؟ تبغه چاقو خون آلود بود ولی چون بابا جعفر گفت: دستم را بریدی! فکر کردم خون او بوده اما وقتی دخترم را دیدم دیگر چیزی نگفتم!

پس چرا ابتدا گفتی که دخترت از بلندی سقوط کرده است؟ به خاطر این که همه می‌گفتند چاره‌ای نداری! در آن لحظه می‌خواستم فرار کنم که ماموران مرا باخودنبردند!

سابقه خبر

دایق اولیه بامداد چهارم مرداد، ماجرای مرگ تلخ دختر سه‌ساله‌ای که هدف اصابت چاقو قرار گرفته بود به قاضی ویژه قتل عمد در مشهد اعلام شد و بدین ترتیب قاضی کاظم میرزایی شیانه به بیمارستان صاحب الزمان (عج) مشهد رفت. تحقیقات مقدماتی نشان می‌داد: نجمه کوچولو قربانی نزاع خانوادگی شده و پدر بزرگ او نیز در مرکز درمانی بستری است. گزارش خراسان حاکی است، در ادامه تحقیقات که به صبح‌روز بعد کشید، پدر ۲۳ ساله نجمه به اتهام قتل دخترش بازداشت شد.

۱۱ نفر در تصادف مرگبار توپوتا با تریلی جان باختند



حاضر در محل حادثه فوت کردند و هفت تن دیگر برای طی مراحل درمانی به بیمارستان منتقل شدند.

سرپرست اورژانس کشور گفت: در تصادف توپوتا با تریلی در محور خاش به ایرانشهر ۱۱ تن در دم جان باختند.

پیر حسین کولیوند در گفت‌وگو با خبرگزاری میزان در باره جزئیات این حادثه مرگبار گفت: ساعت ۴:۳۶ بعد از ظهر دیروز وقوع حادثه تصادف بین سواری توپوتا و تریلی در کیلومتر ۷۰ محور خاش به ایرانشهر به مرکز اورژانس اعلام شد.

وی افزود: بلافاصله چهار دستگاه آمبولانس برای امداد رسانی به مصدومان به محل حادثه اعزام شد. کولیوند با اعلام این که ۱۸ تن در این حادثه مرگبار دچار حادثه شده بودند، افزود: ۱۱ تن از مسافران

چون پسر م در س خوان بود و در مدرسه همه او را دوست داشتند. وی در باره اتهامات سیاهی که به او زدند گفت: من اگر می‌خواستم با مردان غریبه رابطه داشته باشم در شرکت‌های گدایی نمی‌کردم و پسر م به دلیل نداشتن پول خودش را دار نمی‌زد.

این زن ادامه داد: بعد از آزادی از زندان به دنبال خانه گشتم تا این که این خانه خفته بود و به همین

اتاق دار، در پیدا کردم و یک خبریه نیز کمکم کرد تا پول پیش و اجاره را پرداخت کنم اما حدود شش ماه است که کرایه ۱۵۰ هزار تومانی را پرداخت نکردم تا این که صاحبخانه و دخترش به سراغم آمدند.

وی در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: صاحبخانه و دخترش حرف می‌زدند، می‌دیدم به همین دلیل تصمیم گرفتم دو چرخه و گوشی موبایل پسر م را کتک زدند و جوشی چشمان فرزند نام به من فحاشی کردند و ناسزا گفتند و این در حالی بود که میثم با دیدن این صحنه اشک می‌ریخت و در

چهره اش ناراحتی را که نمی‌تواند در برابر مرد صاحبخانه و دخترش حرف می‌زد، می‌دیدم به همین دلیل تصمیم گرفتم دو چرخه و گوشی موبایل پسر م را بفروشم تا پول اجاره خانه را پرداخت کنم اما نمی‌دانستم ناراحتی میثم باعث می‌شود او دست به این کار بزد. میثم مدتی در قبرستان‌ها با شرفنشا قیرها از مردم پول می‌گرفت و بازحمت نوانسته بود پول یک دو چرخه را تهیه کند. وی ادامه داد: قرار بود از این خانه به یک خانه خرابه که تنها یک سقف داشت برویم و در آن جای زندگی کنیم و بابت آن نیز باید به مرد آقبیونی که برادرش در زندان است اجاره می‌دادم و حتی برای زندگی در آن جایباید برای خانه دیوار می‌کشیدم چون هیچی جز یک سقف نداشت که برای زندگی در آن جا نیز پولی نداشتم.

■ **دستور دادستانی**

صبح جمعه ۱۲ مرداد اسمال با دستور دادستان آبادان مادر میثم که اعتیاد دارد برای درمان به یک کمپ ترک اعتیاد و خواهر کوچک میثم نیز به بهزیستی آبادان منتقل شد.

۱۳

در امتداد تاریکی

فرار از منجلاب

به آن که هنوز در سن نوجوانی قرار دارم اما آن قدر در منجلاب فلاکت و اعتیاد فرو رفته ام که دیگران مرا بازیچه‌ای برای هوسرانی‌های خودشان می‌دانند. دیگر کاخ آرزوهایم فرو ریخته و داشتن یک زندگی خوب آرام، رویایی است که شاید هیچ گاه برایم تعبیر نشود چرا که آن شب وقتی در برابر پیشنهاد بی‌شرمانه فروشنده مواد مخدر مقاومت کردم ناگهان...

دختر ۱۵ ساله در حالی که طلاق پدر و مادرش و زندگی با مادری معتاد را ریشه بدبختی‌هایش ذکر می‌کرد، به کارشناس اجتماعی کلانتری میرزا کوچک خان مشهد گفت: دو ساله بودم که قیچی طلاق رشته نازک پیوند پدر و مادرم را برید و این گونه سر نوشت مر پدرم از اعضای خانواده ما به گونه‌ای دیگر رقم خورد. پدرم مدتی بعد از آن که مهر طلاق بر شناسنامه اش حک شد با زن دیگری از دواج کرد و حضانت مرا به عهده گرفت. با آن که کودکی خردسال بودم اما از آواذیت‌های نامادری ام می‌فهمیدم که او مادر من نیست. تا سن پنج سالگی در کنار پدرم ماندم اما آن زندگی را دوست نداشتم من به مانند خیلی از کودکان دیگر آرزوهایی داشتم که هیچ گاه به آن‌ها نرسیدم تا این که روزی مادرم به سرانغم آمد و مرا با خودش برد. آن روزها از این که نزد مادرم زندگی می‌کنم احساس رضایت می‌کردم اما طولی نکشید که به همین دلیل من دخترم را ندیدم.
چاقو را به قلب او فرود آوردید؟ «نجمه» هنگام درگیری وسط ما بود، وقتی چاقو را بالا بردم بابا جعفر دست مرا گرفت که دستش زخمی شد وقتی دستم را پایین کشیدم، احساس کردم جایی گیر کرده است چرا که دیگر چاقو بالا نمی‌آمد و من به سختی دستم را دوباره بالا بردم که بعد فمیدم چاقو به دخترم اصابت کرده است.
یعنی تبغه خون آلود چاقو را هم ندیدی؟ تبغه چاقو خون آلود بود ولی چون بابا جعفر گفت: دستم را بریدی! فکر کردم خون او بوده اما وقتی دخترم را دیدم دیگر چیزی نگفتم!
پس چرا ابتدا گفتی که دخترت از بلندی سقوط کرده است؟ به خاطر این که همه می‌گفتند چاره‌ای نداری! در آن لحظه می‌خواستم فرار کنم که ماموران مرا باخودنبردند!

از چشمان هوس آلود شکور هم تر سیدم تا این که روزی پیشنهاد شومی به من داد. من که از شدت ترس می‌لرزیدم موضوع را با مادرم در میان گذاشتم ولی او خیلی خونسرد از کنار این ماجرا گذشت و توصیه کرد مرا بقتل خودم باشم. روزها به سختی می‌گذشت تا این که روزی دوباره شکور بر پیشنهاد بی‌شرمانه اش پافشاری کرد اما وقتی در مقابل او قرار گرفتم ناگهان به سمت من حمله ور شد و با فشار دادن گلویم مرا زخمی کرد. دیگر تحمل این رفتارها را نداشتم چرا که همه چیزم را از دست داده بودم حتی آرزوی تحصیل هم برایم رویا شده بود به همین علت دست به دامان قانون شدم تا در دایره مدیریت خوینسر د از کنار این ماجرا گذشت و توصیه کرد مرا بقتل خودم باشم. روزها به سختی می‌گذشت تا این که روزی دوباره شکور بر پیشنهاد بی‌شرمانه اش پافشاری کرد اما وقتی در مقابل او قرار گرفتم ناگهان به سمت من حمله ور شد و با فشار دادن گلویم مرا زخمی کرد.

دیگر تحمل این رفتارها را نداشتم چرا که همه چیزم را از دست داده بودم حتی آرزوی تحصیل هم برایم رویا شده بود به همین علت دست به دامان قانون شدم تا در دایره مدیریت خوینسر د از کنار این ماجرا گذشت و توصیه کرد مرا بقتل خودم باشم. روزها به سختی می‌گذشت تا این که روزی دوباره شکور بر پیشنهاد بی‌شرمانه اش پافشاری کرد اما وقتی در مقابل او قرار گرفتم ناگهان به سمت من حمله ور شد و با فشار دادن گلویم مرا زخمی کرد.

از چشمان هوس آلود شکور هم تر سیدم تا این که روزی پیشنهاد شومی به من داد. من که از شدت ترس می‌لرزیدم موضوع را با مادرم در میان گذاشتم ولی او خیلی خونسرد از کنار این ماجرا گذشت و توصیه کرد مرا بقتل خودم باشم. روزها به سختی می‌گذشت تا این که روزی دوباره شکور بر پیشنهاد بی‌شرمانه اش پافشاری کرد اما وقتی در مقابل او قرار گرفتم ناگهان به سمت من حمله ور شد و با فشار دادن گلویم مرا زخمی کرد.

مدیرکل راه آهن شمال آتش سوزی قطار را تکذیب کرد

مدیر کل راه‌آهن شمال باتکذیب هر گونه آتش سوزی قطار در این مسیر ، گفت: تمامی قطارهای این مسیر روز یک شنبه هم مانند روزهای دیگر به صورت معمول مسیر خود را طی کردند و هیچ مشکلی نداشتند.

به گزارش ایرنا، وقوع آتش سوزی در یکی از قطارهای مسیر تهران – ساری در منطقه سوادکوه از صبح دیروز ابتدا در شبکه‌های اجتماعی مطرح و سپس به بعضی از رسانه‌های رسمی کشانده شد. یوسف گران‌پاشا گفت: قطار مسافربری از تهران به ساری حرکت و بدون مشکل تمام مسافران‌ش را در ایستگاه راه آهن مقصد پیاده کرد.



وی توضیح داد: آن‌چه که به عنوان آتش سوزی از آن‌یاد شده، روال معمول حرکت قطارهای دیزل در این مسیر است به این معنی که از ایستگاه گدوک تا پالسفید بیشترن شیب‌ریل راه‌آهن وجود دارد که قطارها برای باقی‌ماندن در مسیر باید از سرعت خود بکاهند.

گران‌پاشا گفت: کاستن سرعت و تر م‌زدن زیاد برای کنترل قطار باعث بلند شدن دود از چرخ‌ها یا اندکی آتش در ترمز قطار می‌شود که این حالت عادی است و پس از اندکی توقف، قطار به راه خود ادامه می‌دهد.

وی اضافه کرد: قطار مسافربری دیروز نیز با چنین وضعیتی در مسیر در حال تر دد بود که رسانه‌ها از آن با عنوان آتش گرفتن قطار تعبیر کردند.

مشتری

سیماران

۰۲۶۲۱۷۳۳

درب‌های اتوماتیک، گرگ‌ره برقی، راهبند

۰۲۶۲۱۷۳۳

۰۹۱۵۱۱۱۸۴۱۸

۳۷۱۲۶۰۵۰

نمایشگاه‌دانی: میدان صاحب‌الزمان

۰۲۶۲۱۷۳۳

مجمع سبحان، طبقه +۱